

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۵ دسمبر ۲۰۱۸

## عوامل خروج سربازان امریکائی از سوریه و افغانستان!

۴

دوشنبه- ۰۳ جدی ۱۳۹۷- کابل:

### ۳- مؤثرات بین المللی درخروج سربازان امریکائی:

در قسمت های قبلی این نگاشته به عوامل و مؤثرات داخلی و منطقه ای که باعث شد تا "ترمپ" تصمیم به خروج سربازانش از سوریه و افغانستان بگیرد، اشاراتی داشتیم در این قسمت خواهم کوشید تا در حد توانائی بر مؤثرات بین المللی بر اتخاذ چنین تصمیمی اشاراتی هر چند گذرا بنمایم:

الف- این را همه می دانیم که جهان امروز از لحاظ توازن قدرت های سیاسی و اقتصادی و نظامی، جهان آغاز این هزاره یعنی سالهای ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ نیست تا امریکا به مثابه یگانه قدرت حاکم هم از لحاظ نظامی و هم از لحاظ سیاسی و اقتصادی بقیه جهان را به دهل خود برقصاند. تغییراتی که طی این مدت به وقوع پیوسته آنقدر عمیق، گسترده و حتا غیر منتظره بوده که درک آن برای بسیاری از سیاستمداران دشوار است تا چه رسد به مردم عادی.

روسیه بعد از سپری نمودن یک دوره اضمحلال و فروپاشی نه تنها در حد زیادی قادر شده است تا خود را جمع و جور نماید بلکه بر مبنای بقایای دستاوردهای شوروی سابق در امر نظامی، مجدداً این توانائی را یافته است تا به تمام جهان اعلام نماید که "حرفی برای گفتن دارد" و هیچ قدرتی نباید بیش از این موجودیتش را نادیده بگیرد. در این ادعا تاجائی پیش رفته است که طبق ادعای رسانه ها در ونزوئلا یعنی حیاط خلوت امپریالیسم امریکا می خواهد پایگاه نظامی برای خود بسازد. چین در زمینه اقتصادی یک تازی امپریالیسم امریکا را زیر سوال برده از موضع یک قدرت امپریالیستی نوحاسته، خواستار سهم خود در سراسر جهان من جمله امریکای لاتین، امریکای مرکزی و اوقیانوسیه می باشد.

اروپا که در تمام مدت بعد از جنگ جهانی دوم، ناگزیر به دنباله روی از سیاست های امپریالیسم امریکا بود، امروز در صدد است تا اتحاد بین کشور های اروپائی را عمق بیشتر بخشیده، از آن طریق با به وجود آوردن یک حاکمیت شبه فدرال برای سراسر اروپا از لحاظ اقتصادی و نظامی به مثابه نیروی سوم، مگر مستقل موجودیت خود را در عرصه جهانی اعلام بدارد.

در چنین فضائی که از یک جانب رقبای اصلی امپریالیسم امریکا یعنی روسیه و چین روزتاروز فاصله شان را در تمام زمینه ها با امپریالیسم امریکا کاهش می دهند و از جانب دیگر متحدین سنتی و تاریخی امریکا به فکر استقلال عمل

خود هستند، برای امریکا اشتغالات خارج کشوری، کاهش و افزایش آنها در کل از دو حالت خارج نیست. یا می باید بر اساس تبنانی باشد و یا هم بر اساس تشدید تضادها و آمادگی به جنگ.

ب- تا جایی که به خروج سربازان امریکا از افغانستان و سوریه بر می گردد، می تواند این عمل به مثابه آغاز یک تبنانی بزرگ بین قدرت های رقیب مطرح گردد. یعنی امپریالیسم امریکا در یک داد و ستد کاملاً مخفی چیزی هائی را از رقباء یعنی چین و روسیه گرفته باشد و چیزهائی را برای آنها داده باشد. وقتی "ترمپ" می گوید که حل مسأله سوریه به روسیه و ایران و دولت سوریه تعلق دارد، هرگاه اتخاذ چنین موضعی به اساس کدام توافق مخفی باشد بدان معناست که امریکا می خواهد گلمش را از مرز های روسیه و چین جمع نماید، یعنی هم از بحیره جنوبی چین و هم از اوکراین و هم از شرق میانه خود را بیرون کشد مگر در ازای آن، امریکای لاتین، امریکای مرکزی و اوقیانوسیه به امریکا واگذار گردد.

پ- هرگاه این سیاست به اساس توافق مخفی و رفتن به طرف یک تبنانی جدید اتخاذ نشده باشد، معنایش آن است که امریکا می خواهد با حرکت از موضع تمرکز قواء برای نابودی دشمن استفاده نموده، خروج سربازانش از افغانستان و سوریه به معنای جا به جایی آنها در نقاط مهمتر و کلیدی تر در صورت یک درگیری می باشد.

این که کدام یک از این دو حالت ممکن است اتفاق افتاده باشد، تا هنوز روشن نیست، چه نه تنها تأیید نیم بند و ارزیابی نسبتاً مثبت روسها و چینی ها از تصمیم امریکائی ها کافی نیست، بلکه کمترین حرکتی از جانب آنها در جهت بیرون شدن از حیاط خلوت امریکا یعنی امریکای لاتین، امریکای مرکزی و اوقیانوسیه به چشم نمی خورد. از جانب دیگر کس نمی داند که سربازان خارج شده از سوریه و افغانستان به کجا رحل اقامت افکنده اند، در یک پایگاه نظامی امریکا در بحیره جنوبی چین، در کردستان عراق و نزدیک با مرزهای ایران و یا هم امریکا. و همزمان با خروج نیروهای خودش، اردوخان را به جان مردم سوریه و پاکستان را به جان مردم افغانستان انداختن. هموطنان گرامی!

بادر نظر داشت تمام این فعل و انفعالات می توان نوشت، هنوز زود است تا در مورد نظری ارائه داشت، که کامل باشد. اما هرچه باشد باید این را بدانیم که جای مبارزه من و تو را نمی تواند بگیرد در نتیجه ما اگر می خواهیم - که می خواهیم- کشور ما آزاد و مردم ما در رفاه زیست نمایند، نباید چشم به این یا آن تغییر از جانب اجانب بدوزیم، بلکه باید روزتاروز در جهت اتحاد مردم خود تلاش نمائیم تا در مقع لازم چون مثنی واحد بر فرق دشمنان میهن فرود آمده، مردم ما را از بند استعمار و استعمار مذهبی نجات دهیم.

**سرکها ما را می طلبد!!**